

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۱۰ / ۰۹ / ۲۸



بگذار، خر خر عر کند ، این بار ، منزل می رسد
ورنه به صد خون جگر ، خیلی به مشکل می رسد
عرعر به هر خر واجیست ، ورنه کجا خر خر شود
در گِل بماند روز و شب ، داروی فاصل می رسد
(نوشادر فرمایشی) ، باید به سروقت خران
تا نغمه هنگ هنگ شان ، با سازِ باطل می رسد
(لَو لَو) و (شادولای) ما ، با سادگی و پادگی
از (تی وی اشراریان) پیغام عاجل می رسد
توهین ، بر روشنگران ، تحقیر بر آزادگان
تکفیر هم بر شاعران ، سوغات جاهل می رسد
از نوکران طالبی ، وز چاکرانِ قالبی
گلکار تعریفی شان با کاه و با گِل می رسد
گلمالهُ جعلی وی سودی نبخشد بر چک
بوران ما بر بام آن (غولدنګ) غافل می رسد
(غولدنګ) ، یعنی محترم (لَو لَوی) بیعقل و خرد

این نام از روشنگران ، در شأن سافل می رسد
 بر گردنِ خر مینگر ، نیکتاییِ شش دالری
 لنگر نموده یکطرف ، آن کورِ کاهل می رسد
 پرسش ز (شادولا) شدی ، از (واژه) و معنای آن
 گفتا یکی از لهجه آفل ، ز ناقل می رسد
 ای (آپه پیچو) باخبر ، (قلدر) نمائی می نکن
 بر بُرس و رنگ و پالشت ، تیغ دلائل می رسد
 گاهی به دست (طالبان) ، گاهی به پای (گلبدین)
 فرمان و حکم اجنبی ، از زنگِ فاعل می رسد
 حرف حقیقت ، جانِ من ، شور است و خیلی تلخ و تند
 هم خارش و هم سوزش از، بیرون و داخل می رسد
 یا رب کمی انصاف ده ، بر (بر خادکی) بیحیا
 داند که روزی عدلِ آن ، سلطانِ عادل می رسد
 پس از سرِ روشنگران دستِ جفا کوته کند
 درسِ وفا گیرد ز ما ، تا بذلِ باذل می رسد
 صلح و صفا و آشتی ، شد خرمنِ اهدافِ ما
 از کشتِ تخمِ دوستی ، بنگر چه حاصل می رسد
 آمد پسندِ خاطرِ در صفحه (فیس بوک) مان
 دشنامِ چند تا خادکی ، بر جمله ، شامل می رسد
 تا خواندمش ، جاری شدی ، طبعِ روانم هرطرف
 دروازه های معرفت ، به به ز ساحل می رسد
 بگذار سگِ عوعو کند ، بگذار خرِ عرعر کند
 ناموسِ خود جو جو کند ، تا شکوه از دل می رسد
 « نعمت » ! به پاسِ دوستی ، بس بس توقف لازمست
 ترسم ز جولانِ قلم ، تیری به بسمل می رسد

بخاطر روشن ساختن اشخاصی که سگ های جنگی را تربیت کرده به جان روشنگران و فرزندان راستینِ وطن وُچ وُچ میکنند ، بخاطر آنهایی که رفاقت با اشرار و ناخلفان خادکی دارند ، همچنان بخاطرِ ادب کردنِ بی ادبان ، و هدایت نمودنِ باند ترورِ شخصیت ، که گذشته های ننگینِ خود را با تاپه های سیاست و مُهرهای دین و مذهب، به فرزندانِ صدیق ، و روشنگران

میهن. غرور آفرین. ما می چسپانند، و مانند چوبخشی ها، وقت و ناوقت، با الفاظ کوچه بازاری هرچه که دل تنگ شان خواست میگویند.

فقط و فقط یک راه چاره وجود دارد، که هم اخلاق و ادب فرهنگی را مراعات کرده باشیم، و هم عفت و حرمت کلام را، یعنی هریکی از باند ترور شخصیت که در هر برنامه ای به هموطنان ما توهین و یا فحاشی کند باید به همان برنامه سازی که، زمینه سازی کرده و وقت گرانها را در اختیار همچو عقده ئی ها و مریضهای شخصیتی گذاشته و اخلاق و تربیت فرهنگی را مراعات نکرده به همان اوزان و ابعاد بلکه شدیدتر پاسخ داده شود، نه به شخص فحاش و مربوطین باند ترور شخصیت.

و همچنان اگر برنامه ساز و یا برنامه داری، از هر تلویزیونی که باشد به هموطنان عزیز بیحرمتی و یا ترور شخصیت کند، پاسخش را به رئیس و یا معاون تلویزیون مذکور که مسئول در نزد مردم هستند، باید داد تا رؤسای تلویزیونها هم در قسمت کنترل برنامه ها و تربیت برنامه سازان، سعی بلیغ مبذول داشته، متوجه رسالت فرهنگی خود شوند، و هم در همچو زد و خوردهای فرهنگی نباید تعرض، توهین و تحقیر، تهمت و بی حرمتی به فامیلهای خود، و هم نباید اسم اشخاص گرفته شود، اگر انتقادی باشد بدون گرفتن نام مثلاً بگویند (یکی از برنامه داران اجتماعی و یا یکی از مبصران سیاسی و یا یکی از شعرائی که اشعار انتقادی و یا به ریش و عبا و قبا و غیره میگویند.) کوشش کنند با اشارات و رمزهای طنز گونه طرف را بفهمانند.

انتقاد همیشه سازنده است، جر و بحث همیشه باید جریان داشته باشد، تا واقعیتها در انظار ما جلوه گری نموده رخ بگشاید زیرا از گفته های بزرگان ما است که:

«"واقعیت" شعاع بارقه ای از تصادم افکار است!»